



شهریور ۱۴۰۴

مکانیسم ماشه و پیامدهای اقتصادی آن



مرکز پژوهش اتاق بازرگانی گیلان

رشت - بلوار ولیعصر - شماره ۶۷۴ - کدپستی ۴۱۶۹۷-۶۶۵۴۸

۰۱۳-۳۳۷۵۷۰۳۷-۸

www.iccimguil.ir

بسم الله الرحمن الرحيم
شناسنامه

عنوان
مکانیسم ماشه و پیامدهای اقتصادی آن
تهیه و تنظیم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های اتاق گیلان کارشناسان: دکتر محمدرضا تقی‌زاده جورش‌ری - مهرناز شرافت انتشاردهنده: روابط عمومی اتاق گیلان
شهریور ۱۴۰۴
آدرس: رشت - بلوار ولیعصر - شماره ۶۷۴ - کدپستی ۴۱۶۹۷-۶۶۵۴۸ ۰۱۳۳۷۵۷۰۳۷-۳۸ guilanccima@gmail.com www.iccimguil.ir 
صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گیلان
استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.



۱- مقدمه

مکانیسم ماشه^۱ یا آن‌گونه که در ادبیات حقوقی توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود، «مکانیسم بازگشت خودکار تحریم‌ها»^۲، یکی از پیچیده‌ترین و بحث‌برانگیزترین مفاد برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)^۳ به شمار می‌آید. این سازوکار در ابتدا به عنوان ابزاری برای تضمین اجرای کامل و پایبندی ایران به تعهدات هسته‌ای خود طراحی گردید، اما در عمل به یکی از مناقشه‌برانگیزترین عرصه‌های تقابل دیپلماتیک و حقوقی میان ایران و قدرت‌های جهانی، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا تبدیل شد. اهمیت این مکانیسم صرفاً در بُعد حقوقی و سیاسی آن محدود نمی‌شود، بلکه آثار و پیامدهای اقتصادی ناشی از آن نیز ابعادی گسترده یافته است. تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که حتی تهدید به فعال‌سازی این سازوکار، می‌تواند به سرعت چشم‌انداز تعاملات اقتصادی ایران با جهان را متأثر ساخته، دسترسی به بازارهای بین‌المللی، نظام مالی جهانی و مسیرهای جذب سرمایه‌گذاری خارجی را با محدودیت‌های جدی مواجه سازد. از این رو، مکانیسم ماشه را می‌توان نه تنها ابزاری برای اعمال فشار سیاسی، بلکه اهرمی تأثیرگذار در بازتولید نااطمینانی اقتصادی و بی‌ثباتی در فضای سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی ایران دانست. افزون بر آن، این سازوکار بازتابی از تعارضات ساختاری در برداشت کشورها از ماهیت برجام و حدود اختیارات نهادهای بین‌المللی است. به بیان دیگر، مکانیسم ماشه تنها یک سازوکار فنی در چارچوب توافق هسته‌ای نیست، بلکه به صحنه‌ای برای بروز اختلافات عمیق حقوقی، تفسیری و سیاسی میان طرف‌های ذی‌نفع تبدیل شده است. همین امر موجب گردیده که موضوع آن به‌طور مستمر در دستور کار شورای امنیت سازمان ملل متحد و عرصه‌های مختلف سیاست بین‌الملل باقی بماند. همچنین، آثار روانی ناشی از این تهدید حقوقی - سیاسی بر فضای اقتصادی ایران، اغلب فراتر از میزان واقعی احتمال فعال‌سازی آن بوده و موجب شکل‌گیری انتظارات منفی در میان فعالان اقتصادی و شرکای تجاری خارجی ایران شده است. به بیان دیگر، سایه سنگین تهدید بازگشت تحریم‌های بین‌المللی از طریق مکانیسم ماشه، به‌رغم عدم قطعیت در وقوع، به‌طور ملموسی بر فضای اقتصادی کشور تأثیر گذاشته و زمینه‌ساز بی‌ثباتی و احتیاط در سرمایه‌گذاری و تجارت شده است.

بدین ترتیب، بررسی دقیق چیستی و کارکرد مکانیسم ماشه، همراه با تحلیل پیامدهای اقتصادی آن، ضرورتی انکارناپذیر برای فهم بهتر مناسبات سیاسی - اقتصادی ایران در سطح بین‌المللی است. مقاله حاضر با رویکردی تحلیلی و با بهره‌گیری از چارچوب‌های حقوقی و اقتصادی، در پی آن است که ضمن واکاوی ابعاد مختلف این سازوکار، پیامدهای احتمالی آن برای اقتصاد ایران را تبیین کرده و راهکارهایی برای مدیریت آثار و کاهش تبعات ناشی از آن ارائه دهد.

¹ Trigger Mechanism

² Snapback

³ Joint Comprehensive Plan of Action

۲- چستی و کارکرد مکانیسم ماشه در برجام

مکانیسم حل اختلاف و بازگشت تحریم‌ها، مندرج در بندهای برجام، فرآیندی پیچیده و چند مرحله‌ای است که به منظور تضمین اجرای صحیح توافق هسته‌ای طراحی شده است. این مکانیسم، به هر یک از طرف‌های توافق یعنی ایران و گروه ۱+۵ سابق (شامل ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، روسیه، چین و آلمان) این اختیار را می‌دهد تا در صورت اعتقاد به عدم پایبندی اساسی طرف مقابل به تعهدات تصریح شده در برجام، شکایت خود را رسماً مطرح نمایند.

این فرآیند به شرح زیر است:

- ❁ طرح شکایت در کمیسیون مشترک: هر یک از طرفین برجام که معتقد باشد طرف دیگر به تعهدات خود عمل نکرده است، می‌تواند موضوع را به کمیسیون مشترک برجام ارجاع دهد. این کمیسیون متشکل از نمایندگان ایران، اتحادیه اروپا و گروه E3 (آلمان، فرانسه و بریتانیا)، روسیه و چین است.
- ❁ فرصت ۱۵ روزه برای حل و فصل: کمیسیون مشترک پس از ارجاع موضوع، ۱۵ روز فرصت دارد تا از طریق مذاکره و رایزنی، به یک راه حل مورد توافق دست یابد. این مرحله، فرصتی برای طرفین است تا به طور مستقیم به بحث و تبادل نظر بپردازند و سوء تفاهمات احتمالی را برطرف کنند.
- ❁ ارجاع به وزرای خارجه: در صورت عدم حصول توافق در کمیسیون مشترک، موضوع به سطح وزرای امور خارجه کشورهای عضو ارجاع داده می‌شود. وزرای خارجه نیز ۱۵ روز فرصت دارند تا با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و سیاسی، به یک راه حل مورد توافق دست یابند.
- ❁ ارجاع به هیأت مشورتی (اختیاری): پس از مرحله وزرای خارجه، طرفین می‌توانند به طور داوطلبانه تصمیم بگیرند که موضوع را به یک هیأت مشورتی سه نفره ارجاع دهند. این هیأت، متشکل از کارشناسان حقوقی و بین‌المللی است که ظرف ۵ روز نظر مشورتی خود را در مورد موضوع اختلاف ارائه می‌دهند.
- ❁ ارجاع به شورای امنیت سازمان ملل: اگر پس از طی تمام مراحل فوق، کشور شاکی همچنان معتقد باشد که "عدم پایبندی اساسی" از سوی طرف دیگر وجود دارد، می‌تواند موضوع را به عنوان دلیلی برای توقف اجرای تعهدات خود به شورای امنیت سازمان ملل متحد اطلاع دهد. در این صورت، شورای امنیت باید در مورد ادامه تعلیق تحریم‌ها علیه ایران تصمیم‌گیری کند.

مسئله کلیدی و وجه تمایز این مکانیسم در مرحله نهایی آن نهفته است. پس از ارجاع موضوع به شورای امنیت، این شورا ۳۰ روز فرصت خواهد داشت تا قطعنامه‌ای را برای "تداوم لغو تحریم‌ها" علیه ایران به رأی بگذارد. نکته حیاتی اینجاست که کشور شاکی که یکی از اعضای دائم شورای امنیت است (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه یا بریتانیا)، می‌تواند این قطعنامه را وتو کند. در این صورت، چون قطعنامه تداوم لغو تحریم‌ها تصویب



نشده، تمامی تحریم‌های بین‌المللی در حوزه‌های هسته‌ای - موشکی، تسلیحاتی، مالی - بانکی، تجاری و حمل‌ونقل که قبل از برجام علیه ایران وضع شده بود، به صورت خودکار بازمی‌گردد. این طراحی مبتکرانه، در واقع، مکانیسم "حق وتو را معکوس" می‌کند. در رویه معمول، برای وضع تحریم‌های جدید، نیاز به کسب رأی مثبت اکثریت اعضا و فقدان وتو از سوی هر یک از اعضای دائم شورای امنیت است. اما در این سازوکار ویژه، برای جلوگیری از بازگشت تحریم‌های پیشین، تصویب قطعنامه‌ای ضروری است که عملاً اختیار نهایی را به دست هر یک از اعضای دائم شورای امنیت می‌سپارد. به عبارت دیگر، در حالی که در شرایط عادی، وتو مانع از تصویب یک اقدام (مانند وضع تحریم) می‌شود، در این سازوکار معکوس، وتو موجب اجرای یک اقدام (بازگشت تحریم‌ها) می‌گردد.

۳- پارادوکس مکانیسم ماشه

دولت دونالد ترامپ در اوت ۲۰۲۰ با تلاش برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه علیه ایران، اوج استفاده از این سازوکار را به نمایش گذاشت. این اقدام در حالی صورت گرفت که ایالات متحده در سال ۲۰۱۸ رسماً از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) خارج شده بود. دولت ترامپ با استناد به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت (که برجام را مورد تأیید قرار داده بود) مدعی شد که آمریکا همچنان یک "عضو اصلی" برجام محسوب می‌گردد و از این رو، حق استفاده از مکانیسم ماشه را داراست. این استدلال با مخالفت قاطع تقریباً تمامی اعضای شورای امنیت، از جمله متحدان اروپایی ایالات متحده، مواجه گردید. منطق مخالفان بر این اصل استوار بود که کشوری که به صورت یکجانبه از یک توافق بین‌المللی خارج شده و تعهدات خود ذیل آن را نقض کرده است، نمی‌تواند از مزایا و حقوق پیش‌بینی شده در همان توافق بهره‌مند گردد. این تقابل حقوقی در نهایت با شکست قاطع آمریکا در شورای امنیت به پایان رسید و درخواست واشنگتن مبنی بر بازگرداندن تحریم‌ها رد گردید. این رویداد آشکار ساخت که مکانیسم ماشه، علی‌رغم قدرت بالقوه‌ای که در خود دارد، در برابر اجماع بین‌المللی و منطق حقوقی بین‌الملل آسیب‌پذیر است. تلاش آمریکا نشان داد که تفسیر یک‌جانبه از قوانین بین‌المللی و نادیده انگاشتن تعهدات پیشین، نمی‌تواند به اهداف موردنظر دست یابد، به ویژه زمانی که با مخالفت گسترده جامعه بین‌المللی روبرو شود. این شکست، نه تنها اعتبار ایالات متحده را در عرصه بین‌المللی خدشه‌دار کرد، بلکه بر محدودیت‌های موجود در استفاده از مکانیسم ماشه نیز تأکید نمود. در واقع، این رویداد به مثابه هشدار بود به تمامی طرفین که از این سازوکار با احتیاط و در چارچوب قوانین و رویه‌های بین‌المللی استفاده نمایند، در غیر این صورت، نتیجه‌ای جز انزوا و شکست عایدشان نخواهد شد.

مکانیسم ماشه، پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی در عرصه توافقات بین‌المللی، در عمق خود حامل تناقضی بنیادین است: ابزاری که اساساً برای صیانت از یک توافق طراحی و تعیبه شده، بالقوه می‌تواند به قدرتمندترین عامل



در جهت نابودی همان توافق مبدل گردد. این سازوکار، فراتر از یک فرآیند صرفاً حقوقی و قانونی، به اهرم فشاری سیاسی و استراتژیک بدل شده که کارایی و اثربخشی آن، در گرو غیرمحمتمل به نظر رسیدن استفاده از آن نهفته است. به عبارت دیگر، قدرت بازدارندگی مکانیسم ماشه، رابطه معکوسی با احتمال فعال‌سازی آن دارد؛ هرچه احتمال استفاده از آن کمتر باشد، کارایی و بازدارندگی آن بیشتر خواهد بود.

تجربه پر فراز و نشیب تلاش‌های دولت ترامپ در راستای فعال‌سازی این مکانیسم، به وضوح نشان داد که بدون دستیابی به اجماع و هم‌نظری بین‌المللی، فعال‌سازی آن نه تنها دشوار، بلکه در عمل غیرممکن است. با این حال، این اهرم فشار، همچنان به عنوان گزینه‌ای بالقوه در اختیار طرف‌های غربی باقی مانده و به عنوان یکی از محورهای اصلی چانه‌زنی و مذاکره، در هر گونه گفت‌وگو و تعاملی پیرامون احیای برجام یا دستیابی به توافقی جایگزین، مطرح خواهد بود. در نهایت، سرنوشت مکانیسم ماشه، به شکلی جدایی‌ناپذیر به سرنوشت کلی برجام گره خورده است. تا زمانی که این توافق مهم و سرنوشت‌ساز، در وضعیت کما و رکود به سر می‌برد، ماشه نیز به عنوان یک تهدید خاموش اما حاضر و دائمی، بر روابط پرتنش ایران و غرب سایه افکنده است. فعال‌سازی این مکانیسم، می‌تواند به یک دومینوی خطرناک از اقدامات متقابل و واکنش‌های زنجیره‌ای منجر شود که نه تنها دستاوردهای دیپلماتیک یک دهه تلاش و ممارست را به نابودی می‌کشاند، بلکه منطقه و جهان را با بحرانی جدید و جدی در زمینه منع اشاعه هسته‌ای روبرو خواهد کرد. این بحران، می‌تواند تبعات پیامدهای گسترده و غیرقابل پیش‌بینی برای صلح و امنیت بین‌المللی به همراه داشته باشد و ثبات و نظم جهانی را به شدت متزلزل سازد. بنابراین، حفظ و احیای برجام و جلوگیری از فعال‌سازی مکانیسم ماشه، نه تنها به نفع ایران و طرف‌های غربی، بلکه به نفع کل جامعه بین‌المللی است.

۴- پیامدهای اقتصادی مکانیسم ماشه

فعال شدن مکانیسم ماشه، اقتصاد ایران را که هم‌اکنون نیز تحت فشار تحریم‌های یکجانبه آمریکا قرار دارد، با یک شوک جدید و چندوجهی روبرو خواهد کرد. این پیامدها را می‌توان در دو سطح کلان و خرد (بنگاه‌های اقتصادی) بررسی کرد.

الف- پیامدهای کلان اقتصادی

🌀 بازگشت به عصر انزوای کامل و دیپلماتیک: فعال‌سازی مکانیسم ماشه به معنای بازگشت تمامی تحریم‌های چندجانبه شورای امنیت علیه ایران است. این شرایط، برخلاف تحریم‌های یکجانبه آمریکا، به اجماع جهانی مشروعیت می‌بخشد. حتی کشورهایی که تاکنون تمایل به ادامه همکاری با ایران داشته‌اند (مانند چین، روسیه، هند و برخی کشورهای منطقه)، در صورت نادیده گرفتن تحریم‌ها با خطر جریمه‌های بین‌المللی و محدودیت‌های ثانویه مواجه خواهند شد و ادامه همکاری‌های اقتصادی و تجاری با ایران را



برای این کشورها پرهزینه و غیرقابل توجیه خواهد ساخت. این وضعیت، شبکه تجاری ایران را به شدت محدود و مسیرهای رسمی تجارت خارجی را تقریباً مسدود می‌سازد. علاوه بر پیامدهای اقتصادی، انزوای دیپلماتیک ناشی از فعال‌سازی مکانیسم ماشه، تأثیرات منفی بر جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ایران نیز خواهد داشت. کاهش تعاملات دیپلماتیک، محدودیت در مشارکت در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی، و افزایش فشارهای سیاسی، از جمله این پیامدها هستند.

❁ سقوط ارزش پول ملی و چالش ارزی: با تشدید فشارها بر صادرات نفت، گاز و محصولات پتروشیمی، مهم‌ترین منبع ارزآوری کشور تقریباً از بین می‌رود. این امر، هم از جهت کاهش عرضه ارز و هم از جهت شکل‌گیری انتظارات تورمی و روانی، منجر به جهش نرخ ارز در بازار آزاد می‌شود. به دنبال آن، قدرت خرید مردم به شدت تضعیف شده، فاصله طبقاتی افزایش یافته و سطح معیشت اقشار متوسط و ضعیف جامعه به شدت تنزل پیدا خواهد کرد.

❁ انزوای نظام بانکی: یکی از سنگین‌ترین پیامدها، قطع کامل دسترسی بانک‌های ایرانی به شبکه بانکی جهانی، از جمله سوئیفت، خواهد بود. این موضوع نه تنها تجارت خارجی ایران را زمین‌گیر می‌سازد، بلکه امکان جذب سرمایه خارجی، تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی، استفاده از فاینانس و خطوط اعتباری بین‌المللی را نیز از میان برده و هزینه نقل و انتقال پول را افزایش می‌دهد. به این ترتیب، عملاً نظام بانکی ایران به یک شبکه داخلی محدود تقلیل خواهد یافت که قادر به پاسخگویی به نیازهای مبادلات بین‌المللی نیست.

❁ تورم لگام‌گسیخته و بحران بودجه دولت: با افت شدید درآمدهای ارزی و کاهش صادرات نفت، دولت با کسری بودجه عظیمی روبه‌رو می‌شود. در غیاب دسترسی به منابع خارجی و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، تنها راهکار دولت استقراض از بانک مرکزی و افزایش پایه پولی خواهد بود. این امر به تزریق بی‌رویه نقدینگی و در نهایت تورم ساختاری و شتابان منجر می‌شود. تورم بالا علاوه بر فرسایش طبقه متوسط، بر بیکاری، فقر و رکود تولیدی نیز تأثیر مستقیم خواهد گذاشت.

❁ توقف سرمایه‌گذاری خارجی: ریسک حقوقی و سیاسی ایران به بالاترین سطح خود می‌رسد. نه تنها سرمایه‌گذاران خارجی بلکه بسیاری از سرمایه‌گذاران داخلی نیز با مشاهده عدم ثبات اقتصادی و سیاسی، تمایل پیدا می‌کنند تا سرمایه‌های خود را به خارج از کشور منتقل خواهند کرد. توقف پروژه‌های عمرانی و صنعتی بزرگ، کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری در ایران و فرار سرمایه، پیامدهای اجتناب‌ناپذیر این شرایط هستند.



ب- پیامدهای خرد اقتصادی (سطح بنگاه‌ها)

بنگاه‌های اقتصادی و شرکت‌های ایرانی، چه تولیدی و چه از نوع خدماتی، در خط مقدم این جنگ اقتصادی قرار دارند و با چالش‌های متعددی مواجه خواهند شد:

❁ اختلال و قطع زنجیره تأمین: تأمین مواد اولیه، ماشین‌آلات، قطعات یدکی و فناوری‌های موردنیاز برای شرکت‌های تولیدی، همواره از چالش‌های اساسی در مسیر توسعه صنعتی کشورها بوده است. در شرایطی که دسترسی به این اقلام با محدودیت مواجه شود، مشکلات جدی برای تولیدکنندگان پدید می‌آید و توان رقابتی آن‌ها به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. یکی از پیامدهای اصلی این محدودیت‌ها، افزایش چشمگیر هزینه‌های تولید است. در شرایط عادی، شرکت‌ها می‌توانند با انتخاب تأمین‌کنندگان مختلف و استفاده از مزایای رقابتی بازار، هزینه‌های خود را بهینه سازند. اما زمانی که دسترسی به مواد اولیه و ماشین‌آلات با مشکل مواجه شود، تولیدکنندگان مجبور به پذیرش شرایط نامساعد و پرداخت هزینه‌های گزاف می‌شوند. این امر می‌تواند ناشی از افزایش قیمت‌ها توسط واسطه‌ها، هزینه‌های حمل و نقل و بیمه بالا، و یا حتی هزینه‌های مربوط به تأمین مواد اولیه از منابع غیررسمی و پرریسک باشد. علاوه بر افزایش هزینه‌ها، محدودیت در دسترسی به فناوری‌های نوین نیز می‌تواند اثرات منفی قابل توجهی بر توان رقابتی شرکت‌ها داشته باشد. در دنیای امروز، فناوری‌های پیشرفته نقش کلیدی در بهبود کیفیت محصولات، افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها ایفا می‌کنند. شرکت‌هایی که از این فناوری‌ها محروم شوند، قادر به رقابت با رقبای خارجی خود نخواهند بود و در نهایت، سهم بازار خود را از دست خواهند داد. نتیجه نهایی این روند، کاهش توان رقابتی محصولات داخلی در بازارهای داخلی و خارجی است. افزایش هزینه‌های تولید و عدم دسترسی به فناوری‌های نوین، باعث می‌شود که قیمت محصولات ایرانی در مقایسه با محصولات خارجی بالاتر باشد و کیفیت آن‌ها نیز در سطح پایین‌تری قرار گیرد. این امر منجر به کاهش تقاضا برای محصولات داخلی و افزایش وابستگی به واردات خواهد شد که می‌تواند تبعات منفی برای اقتصاد کشور به همراه داشته باشد.

❁ از دست دادن بازارهای صادراتی: صنایع صادرات‌محور ایران، شامل حوزه‌های پتروشیمی، فولاد، سیمان و فلزات اساسی، در آینده‌ای نزدیک با چالش‌های جدی و محدودیت‌های متعددی در زمینه‌های بیمه‌ای، بانکی و حمل‌ونقل مواجه خواهند شد. این محدودیت‌ها، ناشی از افزایش ریسک‌های مرتبط با تجارت با ایران، نه تنها توان رقابتی این صنایع را در بازارهای جهانی تضعیف خواهد کرد، بلکه منجر به کاهش شدید درآمدهای ارزی کشور و تبعات منفی بر اقتصاد ملی خواهد شد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این وضعیت، رویگردانی تدریجی مشتریان سنتی ایران در قاره‌های آسیا و آفریقا از خرید محصولات ایرانی است. افزایش ریسک‌های تجاری، شرکت‌ها و تجار خارجی را بر آن می‌دارد تا به منظور حفظ منافع خود



و اجتناب از مشکلات احتمالی، به سمت تأمین کنندگان دیگر متمایل شوند. این امر، به نوبه خود، منجر به کاهش قابل توجه حجم صادرات و در نتیجه، کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات این محصولات خواهد شد. کاهش درآمدهای صادراتی، تأثیر مستقیمی بر توانایی صنایع صادرات‌محور در حفظ و توسعه فعالیت‌های خود خواهد داشت. این صنایع، برای تأمین مواد اولیه، نوسازی تجهیزات و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات وابسته هستند. کاهش این درآمدها، توانایی این صنایع در رقابت با رقبای خارجی را کاهش داده و در نهایت، منجر به کاهش تولید و تعدیل نیروهای انسانی خواهد شد. از دست رفتن فرصت‌های شغلی در این صنایع، یکی دیگر از پیامدهای منفی این وضعیت است. با کاهش تولید و فعالیت‌های صادراتی، صنایع مجبور به کاهش هزینه‌ها و تعدیل نیروهای خود خواهند شد. این امر، منجر به افزایش نرخ بیکاری و ایجاد مشکلات اجتماعی و اقتصادی در مناطق صنعتی کشور خواهد شد.

❁ نابسامانی در نقل و انتقالات مالی: بزرگترین چالش بنگاه‌ها، عدم امکان دریافت پول حاصل از صادرات یا پرداخت هزینه واردات خواهد بود. اتکا به صرافی‌ها و روش‌های غیررسمی، ریسک از دست رفتن سرمایه را به شدت بالا برده، هزینه مبادلات را چند برابر می‌کند و سودآوری به شدت کاهش می‌یابد.

❁ تعطیلی بنگاه‌ها و معضل بیکاری: بسیاری از بنگاه‌های کوچک و متوسط که توانایی تحمل این فشارها را ندارند، مجبور به تعدیل نیرو و در نهایت تعطیلی خواهند شد. این وضعیت به افزایش نرخ بیکاری، کاهش تولید ناخالص داخلی و تشدید فرار سرمایه و مهاجرت نخبگان اقتصادی و صنعتی از کشور دامن می‌زند.

۵- راهکارهای مقابله با تهدید ماشه

ایران در مواجهه با تهدید بالقوه فعال‌سازی مکانیسم ماشه، نیازمند رویکردی استراتژیک و چند وجهی است که همزمان به ابعاد اقتصادی، دیپلماتیک و سیاسی توجه نماید. هدف‌گذاری واقع‌بینانه برای اقتصاد کشور باید مبتنی بر سه اصل اساسی "کاهش شوک"، تثبیت وضعیت موجود و سپس سازگاری فعال" با شرایط جدید باشد. انکار تأثیرات مخرب احتمالی ناشی از فعال‌سازی مکانیسم ماشه نه تنها راهگشا نیست، بلکه می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیمات غیرواقع‌بینانه و تشدید چالش‌ها گردد. در راستای دستیابی به اهداف ذکر شده، اتخاذ تدابیر مشخص و هدفمند در حوزه‌های مختلف ضروری است. در ادامه، راهکارهای کلیدی برای دستیابی به این هدف ارائه می‌گردد:

الف - مقاوم‌سازی اقتصاد و کاهش آسیب‌پذیری

❁ توسعه صادرات غیرنفتی: با تمرکز بر حمایت از بنگاه‌های دانش‌بنیان و صناعی که دارای مزیت رقابتی در بازارهای منطقه‌ای هستند، می‌توان وابستگی به درآمدهای نفتی را به طور چشمگیری کاهش داد. این امر



مستلزم ارائه تسهیلات مالی و اعتباری، ایجاد زیرساخت‌های صادراتی مناسب و تسهیل دسترسی به بازارهای هدف است.

بهبود محیط کسب و کار: با حذف قوانین و مقررات زائد و دست و پا گیر، مبارزه جدی با فساد، تدوین بسته‌های حمایتی ویژه برای تولیدکنندگان داخلی و ایجاد ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در سیاست‌های اقتصادی، می‌توان به بنگاه‌های داخلی اجازه داد تا توان رقابتی خود را افزایش داده و در مقابل شوک‌های خارجی مقاوم‌تر شوند.

پیمان‌های پولی دوجانبه: انعقاد قراردادهای تجارت با ارزهای ملی با شرکای اصلی تجاری، به ویژه کشورهای چین، روسیه، هند و ترکیه، می‌تواند وابستگی به دلار را در تجارت خارجی کاهش داده و اثر تحریم‌های بانکی را کمرنگ نماید. این امر مستلزم ایجاد سازوکارهای مالی و بانکی مناسب برای تسهیل این نوع مبادلات است.

توسعه تجارت تهاتری: گسترش مبادلات کالا به کالا (تهاتری) با کشورهایی که با محدودیت‌های ارزی مواجه هستند، می‌تواند راهکار مؤثری برای دور زدن تحریم‌ها و حفظ جریان تجارت خارجی باشد. این امر نیازمند شناسایی کالاهای قابل تهاتر و ایجاد سازوکارهای اجرایی مناسب است.

ب- دیپلماسی فعال و چندجانبه‌گرایی

خروج از بن‌بست برجام: به جای گره‌زدن تمام منافع ملی به یک توافق، باید به دنبال ایجاد چارچوب‌های همکاری متنوع با کشورهای مختلف بود.

تقویت سیاست "نگاه به شرق" و همسایگان: تعمیق روابط استراتژیک و اقتصادی با قدرت‌های نوظهور مانند چین، روسیه و هند و همچنین تمرکز بر دیپلماسی منطقه‌ای می‌تواند جایگزین‌های مؤثری برای روابط محدود با غرب ایجاد کند. عضویت کامل و مؤثر در سازمان‌هایی مانند شانگهای و بریکس در این راستا حیاتی است.

دیپلماسی عمومی و حقوقی: ایران باید به طور مستمر و فعال در مجامع بین‌المللی، غیرقانونی بودن استفاده ابزاری از مکانیسم ماشه توسط کشوری که از توافق خارج شده را تبیین کرده و اجماع جهانی علیه یکجانبه‌گرایی را تقویت کند.

پ- تنش‌زدایی هوشمند و مدیریت ریسک

پرهیز از اقدامات تحریک‌آمیز: مدیریت تنش در منطقه و پرهیز از اقداماتی که می‌تواند بهانه‌های لازم برای اجماع‌سازی علیه ایران و فعال‌سازی ماشه را فراهم کند، یک ضرورت استراتژیک است.



افزایش شفافیت: همکاری‌های فنی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در چارچوب پادمان، می‌تواند بهانه‌های فنی برای ارجاع پرونده به شورای امنیت را از بین ببرد و هزینه سیاسی چنین اقدامی را برای طرف مقابل افزایش دهد.

در نهایت، کاهش تهدید مکانیسم ماشه بیش از آنکه یک راه‌حل واحد داشته باشد، نیازمند یک "استراتژی جامع ملی" است که در آن، توانمندسازی اقتصادی در داخل و هوشمندی دیپلماتیک در خارج به صورت هماهنگ و مکمل یکدیگر عمل کنند.

جمع‌بندی

فعال‌سازی مکانیسم ماشه برای بنگاه‌های اقتصادی ایران، چشم‌انداز ورود به دوره‌ای از رکود تورمی عمیق، انزوای اقتصادی از جهان و تقلا برای بقا در شرایطی به‌شدت محدود و ایزوله را ترسیم می‌کند. در چنین وضعیتی، تداوم فعالیت صرفاً برای شرکت‌های بزرگ وابسته به نهادهای خاص یا متخصص در دور زدن تحریم‌ها میسر خواهد بود، در حالیکه بخش اعظم کارآفرینان و صنایع خصوصی با خطر نابودی مواجه می‌گردند. بدین ترتیب، سرنوشت این مکانیسم، فراتر از یک مسئله هسته‌ای یا سیاسی، به موضوعی حیاتی برای معیشت میلیون‌ها ایرانی و آینده اقتصاد کشور تبدیل شده است. در مواجهه با تهدید بالقوه فعال‌سازی مکانیسم ماشه، ایران نیازمند اتخاذ رویکردی استراتژیک و چندوجهی است که به‌طور همزمان ابعاد اقتصادی، دیپلماتیک و سیاسی را در نظر گیرد. هدف‌گذاری واقع‌بینانه برای اقتصاد کشور باید بر سه اصل اساسی استوار باشد: نخست، "کاهش شوک" ناشی از فعال‌سازی مکانیسم ماشه، با هدف مهار تبعات اولیه و جلوگیری از فروپاشی سریع. دوم، "تثبیت وضعیت موجود" از طریق حفظ حداقل سطح فعالیت‌های اقتصادی و جلوگیری از گسترش بحران. و سوم، "سازگاری فعال" با شرایط جدید، با تمرکز بر یافتن راهکارهای نوآورانه برای تداوم حیات اقتصادی در محیط تحریمی. انکار تأثیرات مخرب احتمالی ناشی از فعال‌سازی مکانیسم ماشه نه تنها راهگشا نیست، بلکه می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیمات غیرواقع‌بینانه و تشدید چالش‌ها گردد. پذیرش واقعیت‌های موجود و تمرکز بر رویکردی عمل‌گرایانه، گامی اساسی در جهت کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد ایران در برابر این تهدید محسوب می‌شود. رویکردی که مستلزم همکاری و همفکری تمامی ذینفعان، از دولت و بخش خصوصی گرفته تا کارشناسان و نخبگان اقتصادی، برای عبور از این برهه حساس است.